

حکومت کے اؤٹسورسنگ اور

من و بنیاد
مہ فای
نہجہ



کاظم حاجی ربیعہ علی
لیلا خانزادہ

میرشدانه: حاجی رجبعلی، کاهن، ۱۳۵۹- • عنوان قرارداد: نهج البلاغه، برگزیده شرح • عنوان و نام پدیدآور: حکومتی که ارزشش را دارد: مروری بر نامه‌های نهج البلاغه / کاهن رجبعلی، ایلا خانزاده. • مشخصات نشر: تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت (ع)، ۱۳۹۵. •

مشخصات ظاهری: ۱۳۱ ص ۱۲/۵x۲۱/۵، م.م. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۹۰۰۰۵۰۳ • وضعیت فهرست نویسی: فیبا • موضوع: علین ابن طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- دیدگاه درباره سیاست و حکومت • موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I, ۶۶۱-۶۶۱ • Views on politics and government • موضوع: علین ابن طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- نامه‌ها • موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I, ۶۶۱-۶۶۱ • Correspondence • موضوع: علین ابن طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه -- نقد و تفسیر • موضوع: Nahjol - Balaghah - Ali ibn Abi-talib, Imam I. Criticism and interpretation • موضوع: علین ابن طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه -- سیاست و حکومت • موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol - Balaghah - Politics and government • موضوع: اسلام و دولت • موضوع: Nahjol - Balaghah - Politics and government • موضوع: اسلام و دولت • موضوع: Nahjol - Balaghah - Politics and government • موضوع: علین ابن طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه، برگزیده شرح • رده بندی کنگره: ۲۳۹۱۲۸ • رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱۵ • شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۱۲۸۸



تقریرات

حکومتی که ارزشش را دارد

مرور بر نامه‌های نهج البلاغه

نویسندگان: کاهن حاجی رجبعلی، ایلا خانزاده

طراح گرافیک جلد: صفحات میرضا حصارکے

چاپ: اول ۱۳۹۵

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

• انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (ع)، تهران: بلم، کشاورز،

خیابان ۱۶ آذر پلاک ۲۵ | تلفن: ۰۲۱-۸۳۹۰۰۵۷۰ | محله: خاورش دانشجوویسی

قرآن و عترت • تهران، میدان انقلاب، خیابان سرکر شمس، پلاک ۱۳۳۷، سه رهنما،

پلاک ۱۳۳۷، طبقه ۴ | تلفن: ۰۲۱-۸۵۳۶۷۹۵ | www.QuranEtratShiraz.com

• بخش کتاب فردا • قم، میدان بسیج، خیابان ایرانی، کوچه ۴، پلاک ۱۱ | تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۶۹۲۲



کتابخانه ملی و اسناد ایران

پیشگفتار — ۹

فصل اول — ۱۷

بل دوم — ۲۳

فصل سوم — ۳۳

فصل چهارم — ۴۳

فصل پنجم — ۴۹

فصل ششم — ۵۷

فصل هفتم — ۶۱

فصل هشتم — ۷۵

پیوست — ۸۱



پیشگفتار

روزی که پدر و مادر عرصه‌بان آدم علیه السلام و حواسلام الله علیها، بر عرصه زمین هبوط کردند، مفهوم جدیدی به نسل فرزندان، مجال ظهور یافت. آدم علیه السلام برای فرزندانش فقط پدر نبودند؛ ایشان پیامبر خدا و ولی و حاکم هم بودند. به مرور خانواده‌های متعددی تشکیل شد و البته به ظاهر ممکن بود پیامبر، پدر خانواده همسایه باشد و زمام حکومت را در دست حاکم اصلی آن، که همان پیامبر الهی است، نباشد و...

سرگذشت طولانی را طی کرده است، مدل حکومتی که امروز ما مطاعب است. جدایی انداختیم میان پدری و پیامبری، میان دین و سیاست و میان این هر دو با مفهوم بیت و خانواده. هر پیامبری که آمد، خواست بخوید هنوز هم این سه جنبه ضروری از حیات، جلوه‌هایی از یک حقیقت هستند؛ به شرطی که مدیریت حکومت، الهی باشد. که اگر چنین شد، جمع شدن پیامبری با پدری و با سیاست، با رؤیت عقلی ممکن می‌شود.

از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمودند: «أنا و علی بن ابی طالب خطبنا»^۱. حالا و در این نقطه از تاریخ که ما ایستاده ایم، مجموعه‌ای از سیره پدرمان، امیرالمومنین علیه‌السلام در قالب کتاب شریف نهج البلاغه و در سه بخش خطبه، نامه و کلمات قصار به دستمان رسیده است. روایاتی مشتمل بر حقایق، که بسیار با عظمت هستند اما بلندی جایگاهشان مانع دستیابی ما به آن حقایق نیست. در بررسی هر یک از بخش‌های یاد شده و در یک نگاه کلی می‌توان خطبه‌ها را منبع بسیار مناسبی برای مباحث اعتقادی و ابزاری برای مدیریت عمومی جامعه، نامه‌ها را مناسب برای پیگیری مباحث سیاسی و اداره کارگزاران و کلمات قصار را نیز راهگشا برای دستیابی به مهارت‌های زندگی و اصلاح رفتار و تعالیم و تعالیهای صحیح اجتماعی دانست. البته هر کدام از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار، وجهه و ختلف یکدیگر را نیز داشته و همپوشانی دارند. بر مبنای این مقدمه، اگر خواه نامه‌های امیرالمومنین علیه‌السلام را مرور کنیم باید در کلاس درسی بنشینیم که موضوع و مسأله پایه آن، سیاست و تحلیل‌های سیاسی است؛ بحث‌هایی که در باب هر یک و بود اعتقادی که موضوعشان سیاست است و نه برعکس.

در این مجموعه برآنیم بخشی از نامهای را که به عنوان میراث برجای مانده از پدرمان، امیرمان و امام عزیزمان امیرالمومنین علیه‌السلام در اختیار داریم، نگاهی دیگر باره کرده و با درکی هر چند اندک از منظر و زاویه دید ایشان به موضوع «حکومت و مسایل حاکمیتی» بنگریم. گفتنی است رویه پرداختن به نامه‌ها، صرفاً بیان نکات کوتاه درباره هر موضوع است؛ به گونه‌ای که مداخلی کوتاه برای دستیابی به دیدارهای یک تحلیل ساده سیاسی فراهم شود.

وقتی که هر یک از ائمه علیهم السلام را می‌کنیم و بر آنها درود می‌فرستیم، حسرت می‌خوریم که چرا شرف و شرف در سورت آنها را نداشته‌ایم و طعم خوش عدالت را در ایام و دوران آنها نچشیده‌ایم. حسرت می‌خوریم که چرا امام دوازدهم حضرت مهدی (عج) غایب هستند و ما بهر همان انتظار می‌کشیم و بهر بردن از خورشید پشت ابر است در این مرور حسرت‌ها و افکار مختلف چشم‌مان که به کتاب شریف نهج البلاغه می‌افتد خوشحال می‌شویم؛ چون در این کتاب کتاب است میرمؤمنان علی علیه السلام ثبت است؛ آهنگ کلماتش، تعبیرهای مخصوصش، شیوه‌های آتشینش کمتر از دیدن و رؤیت سیمای او و شنیدن کلماتش نیست. حاجت که فقط حسی و خیالی نیست، عقل و جان نیز می‌تواند به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام برود در لابلای این کلمات می‌توان مسجد کوفه و منبرش را به نظاره نشست یا نخلستان‌هایی که دستان امیرالمؤمنین علیه السلام آنها را آباد و آبیاری کرده‌اند قبل رؤیت هستند. کلمات علی علیه السلام کمتر از خشت و درخت نیستند.

نهج البلاغه را ورق می‌زنیم سه قسمت است: بخش پر حجم آن خطبه‌هاست.

خطبه‌ها شگفت‌انگیزند؛ معجونی از اعتقادات ناب توحیدی، تحلیل‌های دقیق و راهگشای سیلسی و اجتماعی و البته تعبیر و تصویرسازی‌های استادانهای که انسان را می‌خکوب می‌کنند. می‌توان برای همه این خطبه‌ها مضمون کلی نیز قایل شد: انگار که علی‌علیه‌السلام همه ادبیات را به خدمت گرفته و صفوفی از لشکر کلمات را به جنگ دنیا زدگی و میل به آخرت آورده است؛ یا اینکه پیرمرد، همه اعجازش را به خدمت گرفته تا اضطراب را از جامعه تحت حکومتش بزدايد و در آرامشی که قصد دارد با ایمان رقم بزند، امیری کند بر مؤمنین، امیرالمؤمنین. کلمات قصار نهج البلاغه، از اسمشان پیداست چگونه‌اند؛ حرف‌ها و نکات کوتاه؛ یک یا چند سطری، از امیرالمؤمنین علیه‌السلام هستند. دانه‌های تسبیحی از کلمات استر بوده‌اند که جدا جدایشان کرده‌اند. مرواریدهای بر صفحات پاشیده‌اند در با تلافی خود می‌توانند ستارگان هدایتی باشند که به مهارت زندگی کردن، حقیقت می‌دهند. آنها را که در ذهن داشته باشی، معیار خواهی داشت برای ارزیابی تک تک مسأله‌های زندگی‌ات.

اما حکایت‌نامه‌ها حکایت بی‌پایه است؛ آنها هم، معدن معیارهای ارزشمند هستند؛ اما معیارهایی که به خللی مشخص و معنادار، با موضوعات مربوط به مدیریت جامعه و سیاست پیوند دارند.

نهج البلاغه را می‌خوانی؛ برخی از نکات را، فهم می‌کنی و بسیاری را نمی‌فهمی؛ حسرت، اینجا هم سر و کلاهش پیدا می‌شود من که از دیدار علی علیه‌السلام، دیدار با کلماتش، نهج البلاغه‌اش نصیبم شد، به خراب می‌شد که می‌توانستم حساب‌شده‌تر و کاربردی، این کلمات را یاد می‌گیرم.

مثل کسی که نابیناست و عصا زنان راه می‌رود، شروع می‌کند یک مسیری را انتخاب کردن؛ نامه‌ها را انتخاب می‌کند هر چیز واضحی را نیست می‌کند، نامه‌های مشابه را کنار هم می‌گذاری، تمام توجهت را متمرکز می‌کنی تا به

یک برداشت بررسی؛ برداشتی که گویی برای اکنون است و به زندگی و حیات تو در نظام مقدسی که به نام اسلام به وجود آمده است، مربوط می‌شود.

آه ای علی علیه‌السلام، ای پدرم و ای امیر و امامم، چقدر تو نزدیکی و چقدر صدايت رساست. تو را می‌بینم؛ سعی می‌کنم از زاویه تو به مسائل نگاه کنم و در صف مجاهدان در رکابت اَنی سلم من سَلَمکم و حرب من حَارَبکم ای علی علیه‌السلام کلمات تو با کلمات سایرین متفاوت است، تار و پودشان کلام خداست؛ از این رو زنده و ابدی است؛ تو خودت پشت آنها ایستاده و حاضر هستی و مخاطب هر خطبای که با کلمات تماس پیدا کند، جوابت را خواهد شنید؛ تو معلم تمام خدایان هستی.

کنار هم قرآن و احادیث الهیه استنتاج‌های توأم با احساس نزدیک بودن به امیرالمؤمنین علیه‌السلام، منجر به توجه و نیز بهرمندی از چهار چوبی می‌شود که در نامه‌های امیرالمؤمنین جاری شده و ما را به تحلیل درستی بر اساس واقعیت، و نه ذهنیت، درباره حکومت اسلام می‌رساند. بی‌شک این بررسی به فهمی شفاف از واقعیات حکومت منجر شده و می‌تواند ذهنیت نادرست و غیر واقع ما از آن را تصحیح کند.

اساس تقسیم‌بندی فصول این کتاب، قرابت محتوایی یک نامه، گاهی دو نامه، گاهی یک نامه و حتی گاهی بخشی از یک نامه است. در اولین فصل، بررسی پانزده نامه‌ای که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام خطاب به دشمن خود، معاویه، داشته‌اند، آمده است. عنوان این فصل را، «حکومتی که همیشه ارزشمند است» نام نهاده‌ایم. با مرور این فصل انسان در می‌یابد که با وجود همه هزینه‌هایی که احتمالاً امت اسلام متحمل می‌شود و تهمت‌هایی که متوجه دین و دینداران خواهد شد، باز هم تشکیل و امتداد حکومت اسلامی ارزشمند است و بر هر چیز دیگر ترجیح دارد. فصل دوم

اختصاص دارد به دو نامه از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که یکی را خطاب به قاضی متخلف، و دیگری را خطاب به مجری متخلف حکومتش نوشته است. عنوان این فصل «ارزش هدایت گرایش‌ها» است. در این فصل معلوم می‌شود مفهوم گرایش به دنیا گرایش به طاغوت و مفهوم گرایش به آخرت، گرایش به حاکمیت الهی و ولی خداست. با این وصف در حکومت اسلامی حتی اگر قاضی و مجری هم گرایش به دنیا داشتند، باز هم طاغوت تطهیر و حکومت اسلامی مخدوش نخواهد شد چون حکومت اسلامی ارزش وجودی داشته و نقشش هدایت گرایش‌هاست. در فصل سوم به بررسی است نامه‌ای پرداخته شده است که شاخص‌هایی برای ارزیابی اقسام گرایش‌ها هستند که علی علیه السلام در حکومت خود از آنها بهره می‌برد. عنوان این فصل عبارت ذیل است: «ارزش شکوفاسازی انسان‌ها». در این فصل معلوم می‌شود که حاکمیت می‌تواند بستر شکوفاسازی اقسامی از استعدادها در میان انسان باشد. برخی از این استعدادها تنها و تنها در حاکمیت اسلامی مجال تحقق بروز می‌یابند. از این رو به دلیل ارزش شکوفاسازی انسان‌ها حکمت اسلامی ارزش وجودی می‌یابد و فرض دیگری جز تحقق و ادامه حیات آن، فعل، نیست. فصل چهارم به بررسی بخشی از نامه امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر می‌پردازد و عنوانش عبارت است از: «ارزش پاک بودن حکومت». در این فصل معلوم می‌شود حکومت اسلامی ذاتاً بهره‌مند از نوعی پاک‌ی و طهارت است که منحصر به فرد است و به آن، ارزش وجودی می‌بخشد. این ارزش به کمک شاخص شعارهای توحیدی و عدالت‌خواهانه و هاضمه حاکمیت‌ها در بین شناسایی است. در فصل پنجم، به بررسی بخش دوم از نامه امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر پرداخته شده است. عنوان این فصل «ارزش رضایت حقیقی»

است. در این فصل معلوم می‌شود ریشه رضایت افراد به رضایتشان از خدا بازگشت دارد؛ از این رو هیچ حاکمیتی به اندازه حکومت الهی، استعداد و صلاحیت جلب رضایت عمیق و حقیقی انسان‌ها را ندارد؛ لذا حکومت الهی به دلیل اقتضای وجودی، ارزش بودن دارد. در فصل ششم به بررسی بخش سوم از نامه امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر پرداخته شده است. عنوان این فصل عبارت است از: «ارزش جامعیت حکومت». در این فصل معلوم می‌شود شرط حیات حکومت الهی یا استقرار حاکمیت تام و همه‌جانبه بر روی زمین، و حرکت به سوی چنین حاکمیتی است. بر این اساس حکومتی که دارای جنبه ظرفیتی از جامعیت است، ذاتاً ارزش بودن دارد؛ چون ملاحظه می‌شود، امام و جوانبش را که جامعه بشری به آن نیازمند است، داراست. در فصل هفتم، بخش چهارم از نامه امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر مورد بررسی قرار گرفت. عنوان این فصل عبارت است از: «ارزش تفصیلی بودن عدالت». در این فصل صلاحیت‌ها و تخصص‌های لازم در حاکمیت به تفصیل تبیین شده‌اند. نحوی که هر صنف و تخصصی، تقوای مخصوص به خود و عدالت ویژه‌اش را داراست. با این وصف حاکمیت الهی جلوه‌گاه تفصیلی‌ترین شکل از عدالت و تقواست. پس به همین دلیل بر هر نظام دیگری ترجیح دارد. و نهایتاً در فصل هشتم، به بررسی بخش پنجم از نامه امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر پرداخته شده است. عنوان این فصل عبارت است از: «ارزش ارزش پیوستگی حاکمیت با مایه». در این فصل معلوم می‌شود که حکومت اسلامی ماهیتاً برگردانی از مفهوم و ساختار اقامه نماز است. با این وصف نماز پرجمی خواهد بود که به اهتزاز درآمدن و تقویتش، هم مسیر تقویت حکومت الهی و هم شاخص ارزیابی عیار آن است. حکومتی که با تقویت جریان نماز در جامعه، تقویت می‌شود.

ذاتاً پاک و مبتنی بر عبودیت خداست و ارزش بودن دارد.

بامطالعه این فصول معلوم می‌شود، نامه‌هایی که امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته‌اند، ترسیم‌گر ذات پاک و توانایی‌های ویژه و منحصر به فرد حکومت اسلامی است و مرور این نامه‌ها یک عبارت را در خصوص این پدیده مبارک بر ذهن و زبان جاری می‌سازد؛ عبارتی که با دو لحن حداقلی و حداکثری قابل خواندن است: «حکومتی که ارزشش را دارد». این کتاب مخاطب را از هشت زاویه به این نتیجه می‌رساند که: هیچ شکل دیگری از حاکمیت، به پایه و ارزش حکومت اسلامی نمی‌رسد.

هشتاد و یک فصول سه بخش کلی دارند: یکی منتخبی از برخی عبارات حضرت علی علیه السلام در نامه‌های مربوطه و ترجمه آن، دوم، شرح مختصر پس‌زمینه نامه‌ها و گزیده‌هایی که از دلالت ظاهری آن نامه‌ها به دست می‌آید. و سوم، جمع‌بندی تحلیلی که از برآیند مطالب پیشین حاصل می‌شود.

مجموع این مطالب و هدف کلی را دنبال می‌کند: یکی امکان انس بیشتر با کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام از راه آورد مطالعه نامه‌های نوشته شده توسط ایشان و احتمالاً تسهیل روش مطالعه آنها؛ دوم توجه دادن به گزاره‌های مهمی که در تعمیق بینش سیاسی و تحلیل‌های مربوط به آن در عصر حاضر مؤثر است.

در پایان یاد آور می‌شویم هر چه قوت و ایمان و قدرت در این نوشتار است، مربوط به صاحب و امیر این کلمات، امیرالمؤمنین علیه السلام است. و هر چه شامل نقص و کاستی و سستی است، مربوط به نگارنده است. این کتاب است، امید است این تلاش ناچیز مورد رضایت خداوند و عنایت حضرت علی علیه السلام قرار بگیرد و مخاطبان بزرگوار نیز، ما را از نظرات تکمیلی خود محروم نفرمایند. از خداوند بزرگ توفیق و اخلاص را برای خود و شما خواستاریم.